

دوتا ۲۶۷	عهد عتیق / ۱۴
	داوران
S = معلم ۲ (تدریس توسط معلم ۲)	

(S) به برنامه " دوره شاگردسازی از رادیو " خوش آمدید. امروز کتاب داوران را مورد بررسی قرار می‌دهیم.

## نکته یک - منشأ کتاب داوران

### اول) نام کتاب

نام "داوران" به‌درستی عنوان این کتاب را توصیف می‌کند، زیرا کتاب عمدتاً اختصاص دارد به شرح اعمال اشخاصی که در اسرائیل، در طول دوره زمانی میان یوشع و پادشاهان، تحت عنوان "داور" شناخته می‌شدند.

### دوم) نویسنده، تاریخ و مکان نگارش

**کتاب چگونه نوشته شد؟** از آنجا که کتاب داوران، مدت زمانی حدود ۳۲۷ سال را در بر می‌گیرد، نویسنده باید حتماً از سایر منابع استفاده کرده باشد، حتی اگر این امر ذکر نشده باشد. او قطعاً با کتاب یوشع آشنایی داشته است. نویسنده که در آغاز دوره پادشاهان می‌زیسته، قصد داشته تاریخ دوره داوران را به‌گونه‌ای ثبت کند که درس‌هایش "رهنمودی باشد برای دوره پادشاهان". او می‌بایست تا حد امکان، منابع کتبی و نیز احادیث شفاهی مربوط به تاریخ قبیله‌های مختلف و کارهای داوران را گردآوری کرده باشد. پس از این کار، قاعدتاً مطالب خود را مطابق هدفی که داشته، مرتب کرده است. محل مقدس مرکزی در شیلوه به احتمال قوی، محلی بود که اکثر گزارشها در آنجا نوشته و نگهداری می‌شد. کاهنان که با مردمی که برای عبادت به شیلوه می‌آمدند، ملاقات می‌کردند و سخن می‌گفتند و گزارشی از تاریخچه هر قبیله نگاه می‌داشتند. مطابق یوشع ۲۴: ۲۶، کتاب تورات در شیلوه نگاه داشته می‌شد. به احتمال زیاد، کتاب یوشع نیز در شیلوه، به‌دست فینحاس، کاهن اعظم، و همکارانش نوشته شد (یوشع، فصل ۲۲). لذا احتمال بسیار دارد که لااقل در آغاز دوره داوران، چنین گزارشهایی نوشته و در شیلوه نگاهداری می‌شد.

### در چه زمانی کتاب نوشته شد؟

در داوران ۱: ۲۱ اشاره شده که بیوسیان هنوز در شهر خود یعنی اورشلیم، در میان قبیله بنیامین، "تا امروز" زندگی می‌کرده‌اند. و مطابق داوران ۱۹: ۱۰-۱۲، اورشلیم شهری خطرناک برای بنی بنیامین باقی ماند تا اینکه داود پادشاه آن را به تصرف در آورد. لذا کتاب حداکثر در اوائل سلطنت داود پادشاه نوشته شده است. در داوران ۱۷: ۶ و چندین آیه دیگر، ذکر شده که "در آن ایام، در اسرائیل پادشاهی نبود و هر کس آنچه در نظرش پسند می‌آمد، می‌کرد" (۱۸: ۱؛ ۱۹: ۱؛ ۲۱: ۲۵). این نشان می‌دهد که نویسنده در دوره پادشاهان می‌زیسته و از نظم و ترتیبی که در این دوره حاکم بوده به‌رمند می‌شده، برخلاف هرج و مرج و عدم اتحاد و ناامنی‌ای که در دوره داوران حاکم بوده، خصوصاً در فاصله زمانی میان دو داور. این امر زمانی به‌خوبی توجیه می‌شود که نویسنده مطالب خود را در اوائل سلطنت شاول پادشاه نوشته باشد، یعنی زمانی که سلطنت شاول هنوز مثبت به‌نظر می‌رسید. در آن زمان، شاول اتحاد اسرائیل را برقرار ساخت (اول سموئیل ۱۱: ۱-۶)، و سپاه نیرومندی تشکیل داد که دشمنان را شکست می‌داد (اول سموئیل ۱۴: ۴۷-۴۸، ۵۲) و هنوز سموئیل او را "مسح‌شده خداوند" تلقی می‌کرد (اول سموئیل ۱۵: ۱). از داوران ۱۸: ۳۱ چنین بر می‌آید که از آن پس، شیلوه دیگر مرکز مذهبی اسرائیل نبود. این زمانی رخ داد که فلسطینیان صندوقچه عهد را گرفتند و عیلی در گذشت (اول سموئیل ۴) و بخش عمده شهر احتمالاً ویران شد (مز ۷۸: ۶۰-۶۴؛ ار ۷: ۱۲-۱۴؛ ۲۶: ۶). به این شکل، نتیجه می‌گیریم که کتاب داوران احتمالاً در نیمه اول سلطنت شاول نوشته شده که از ۱۰۳۲ قبل از میلاد تا ۱۰۱۲ قبل از میلاد حکومت می‌کرده است.

### چه کسی کتاب را نوشت؟

کتاب مقدس نمی‌گوید این کتاب را چه کسی نوشت، اما سنت یهود کتاب‌های داوران و روت را به سموئیل نبی نسبت می‌دهد. این امر به احتمال زیاد درست است. گرچه کتاب مدت زمانی حدود ۳۰۰ سال را در بر می‌گیرد، یعنی از وفات یوشع به‌سال ۱۳۸۷ قبل از میلاد تا پایان زندگی سامسون در حدود ۱۰۸۵ قبل از میلاد، سبک نگارش (ساختار) آن، حاکی از آن است که آن اثر یک شخص واحد است. نگارش کتاب قطعاً با روحیه سموئیل سازگار است. سبک سنگین و جدی تشریح رویدادها، و محکوم کردن بت‌پرستی، و نگرش او به تاریخ، و اعتقادش به آرمان اسرائیل به‌عنوان ملت متحد، انسان را به یاد سموئیل می‌اندازد. هدف اصلاحات سموئیل، ریشه‌کن کردن کامل بت‌پرستی، و تحکیم اتحاد اسرائیل در حوزه‌های سیاسی و مذهبی، و آشنا ساختن اسرائیلیان با زندگی‌ای مبتنی بر نظم و آرامش و مطابق با احکام خدا بود (اول سموئیل ۷: ۳-۶ و ۱۲؛ ۱۲: ۹-۱۱، ۱۴، ۲۰-۲۵). طبق اول سموئیل ۱۲: ۶-۱۱، اشتیاق سموئیل این بود که قوم اسرائیل رویدادهای تاریخ خود را از یاد نبرند، خصوصاً رویدادهای دوره داوران را. سموئیل بهترین کسی است که می‌توانست کتاب داوران را نوشته باشد زیرا خودش در انتهای این دوره می‌زیست. او در شیلوه پرورش یافته بود؛ تابوت (صندوقچه) عهد در آنجا نگاهداری می‌شد و مردم از تمام نقاط مملکت به آنجا می‌آمدند تا قربانی بکنند. پس از پایان عبادت مبتنی بر قربانی‌ها در شیلوه، سموئیل موقعیت مرکزی در اسرائیل را به دست آورد. او هر سال به نقاط مختلف کشور سفر می‌کرد تا در مورد امور مردم داوری کند (اول سموئیل ۷: ۱۵-۱۷). به این ترتیب، می‌توانست مطالب لازم را برای نگارش تاریخ عمومی دوره داوران گردآوری کند. شرح ماجرای سامسون در فصل‌های ۱۳-۱۶ داوران، این احساس را در انسان پدید می‌آورد که این ماجرا به‌دست کسی نوشته شده که خیلی نزدیک به رویدادها بوده است. داور قبل از سموئیل، یعنی عیلی، همدوره بود با یفتاح و سامسون. اگر سموئیل نویسنده این کتاب باشد، پی می‌بریم که چرا این کتاب باید دوره داوران را با سامسون به‌پایان برساند. نویسنده دیگری نیز می‌توانست عیلی و سموئیل را در دوره داوران گنجانده باشد. سموئیل شرح زندگی خود را که با زندگی عیلی ارتباطی نزدیک داشت، در اختیار نویسنده دیگری قرار داد. نتیجه می‌گیریم که کتاب داوران را یا خود سموئیل یا یکی از شاگردان سموئیل در آغاز دوره پادشاهان، بین سالهای ۱۰۳۲ تا ۱۰۱۲ قبل از میلاد تألیف کرده است.

## **نکته دو - تقسیم‌بندی و محتوای کتاب داوران**

موضوع کتاب داوران، شرح اعمال خدا در این دوره برای مطیع ساختن قومش در امر خدمت به او، و آشنا ساختن ایشان با انضباط بود تا به این ترتیب، ایشان را از تباهی مذهبی و اخلاقی که از سازش با بت‌پرستی ناشی می‌شد، حفظ کند. کتاب داوران را می‌توان به سه بخش به شرح زیر تقسیم کرد:

### **بخش اول کتاب داوران**

این بخش شامل فصل ۱: ۱ تا ۳: ۴ می‌گردد. موضوع آن نگرش قوم اسرائیل به ملت‌های کنعانی و بت‌هایشان و در نتیجه، به خداوند می‌باشد. این بخش شامل دو مقدمه می‌شود که بنیاد تاریخی و روان‌شناختی و خداسالاری برای عملکرد داوران را تشکیل می‌دهد.

یک مقدمه متشکل از ۱: ۱ تا ۲: ۵ است. این بخش به شرح عملیات نظامی برخی از قبیله‌های اسرائیل می‌پردازد و اینکه چگونه نتوانستند ملت‌های کنعانی (اموریان) را اخراج کنند. مجازات الهی برای ناطاعتی اسرائیل شامل دو چیز می‌شد: یکی اینکه او از این ملل کنعانی استفاده خواهد کرد تا دائماً بر اسرائیل ستم برانند. و بت‌پرستی ملل کنعانی دائماً خاری در پهلوی مردم اسرائیل خواهد بود و خدایانشان نیز دامی برای اسرائیل خواهند بود (۲: ۳).

مقدمه دیگر متشکل از ۲: ۶ تا ۳: ۴ است. این بخش شرح می‌دهد که خدا با چه دیدی به تاریخ اسرائیل از زمان یوشع تا روزگار پادشاهان می‌نگرد. همچنین شرح می‌دهد که چگونه نسل‌های بعد از یوشع بارها در نظر خداوند شرارت ورزیدند و چگونه خداوند بارها ایشان را به دست دشمنانشان که در اطرافشان زندگی می‌کردند تسلیم کرد تا مجازات شوند. اسرائیلیان به‌جای نابود ساختن ملل کنعانی، به زندگی در میان ایشان ادامه دادند و با ایشان ازدواج کردند و بت‌پرستی ایشان را آموختند. از آنجا که اسرائیل عهدی را که خداوند با نیاکان ایشان بسته بود زیر پا می‌گذاشتند، خداوند نیز از ملت‌های کنعانی استفاده می‌کرد تا اسرائیلیان را آزمایش کند تا ببیند که آیا ایشان عهد را نگاه می‌دارند یا نه. همچنین شرح می‌دهد که چگونه خداوند بارها داورانی فرستاد تا اسرائیل را رهایی بخشند و ایشان را به عبادت و خدمت خداوند باز گردانند.

### **بخش دوم کتاب داوران**

این بخش متشکل از ۳: ۵ تا ۱۶: ۳۱ می‌باشد. موضوع آن عبارت است از ستم از سوی سایر ملت‌ها و رهایی و نفع بدست داوران. در این بخش، با جزئیاتی بیش یا کم، تاریخ داوران مختلف و رویدادهایی که منجر به اقداماتشان شد، شرح داده شده است.

### **بخش سوم کتاب داوران**

این بخش متشکل از فصل‌های ۱۷ تا ۲۱ می‌باشد. تباهی حیات مذهبی و اجتماعی اسرائیل، نیاز به حکومتی مرکزی و نیرومند را توجیه می‌کند. این بخش حالت ضمیمه را دارد و با بیان دو رویداد تاریخی که بیانگر "نیاز به یک پادشاه" در اسرائیل است، کتاب را تکمیل می‌کند. وجه مشخصه دوره داوران، تکرار این عبارت به‌دست نویسنده می‌باشد: "و در آن ایام، در اسرائیل پادشاهی نبود و هر کس آنچه در نظرش پسند می‌آمد، می‌کرد" (۱۷: ۱؛ ۱۸: ۱؛ ۱۹: ۱؛ ۲۱: ۲۵).

یکی از این رویدادهای تاریخی، در فصل‌های ۱۷ و ۱۸ آمده است. رویدادی که ذکر شده، احتمالاً مربوط به اوائل دوره داوران می‌گردد و بیان می‌کند که "بت‌پرستی چگونه وارد اسرائیل گردید." میخا که در کوهستانهای افرایم زندگی می‌کرد، بت‌هایی ساخت و در خانه خود عبادتگاهی بر پا کرد و یک لای را به مقام کاهن آن گمارد. قبیله دان که هنوز میراث خود را در میان قبایل اسرائیل تصرف نکرده بود، بت‌های او را از او گرفتند. ایشان پس از تصرف شهری در مناطق دوردست شمالی، آن را بازسازی کردند و دان نامیدند. ایشان بت‌های میخا را در شهر خود بر پا داشتند و این بت‌پرستی در تمام طول مدتی که خانه خدا در شیلو بود، ادامه داشت.

دومین رویداد تاریخی، در فصل‌های ۱۹ تا ۲۱ آمده است. این بخش بازگوکننده رویداد دیگری است که احتمالاً در اوائل دوره داوران رخ داده و "شرارت قبیله بنیامین" را نشان می‌دهد. شخصی لای از کوهستان افرایم راهی سفر شد تا زن صیغه‌ای خائن خود را از یهودا باز گرداند. در جعبه، مردان بدکار تهدید کردند که با او رابطه همجنس‌بازانه خواهند داشت؛ او نیز زن صیغه‌ای خود را در اختیار ایشان قرار داد. ایشان در تمام طول شب به او تجاوز کردند. بامدادان، مرد لای آن زن را مرده یافت. پس او را به خانه برد و دوازده تکه کرد و تکه‌ها را به تمام مناطق اسرائیل فرستاد. اسرائیلیان از اهالی شهر جعبه خواستند که آن مردان بدکار را تسلیم کنند تا به قتل برسند. اما مردمان بنیامین از این کار سر باز زدند. دو طرف متحمل تلفات شدیدی شدند، و اسرائیلیان تقریباً تمام قبیله بنیامین را قتل عام کردند. بعداً اسرائیلیان پذیرفتند که مردمان بنیامین از سایر مناطق همسر اختیار کنند تا نسلشان از میان قبیله‌های اسرائیل از میان نرود.

## **نکته سه - محتوا و پیام اصلی کتاب داوران**

### **اول. کتاب داوران وظیفه مذهبی داوران را تعلیم می‌دهد.**

در عهدعتیق، دو نوع داور وجود داشت. در تثبیه ۱۶: ۱۸-۲۰ سخن از تعیین داوران قضایی به شکل دائمی به میان آمده است. در هر شهر می‌بایست داورانی تعیین می‌شدند تا به امور قضایی و دعاوی میان مردم رسیدگی کنند. کتاب داوران در مورد نوع دوم داوران سخن می‌گوید. ایشان به شکلی دائمی در اسرائیل تعیین نمی‌شدند. ایشان را خدا فرا می‌خواند تا حقوق و حاکمیت الهی را در اسرائیل برقرار دارند و حفظ کنند، اما بیشتر با رهایی دادن ایشان از دست دشمنانشان، و نه با سخنانی در باره عدالت و انصاف. داوران ایشان جنبه قضایی و قانونی نداشت، بلکه جنبه حکومتی.

### **دوم. کتاب داوران آرمان خداسالاری ناب را تعلیم می‌دهد.**

(یک) خداسالاری ناب بدون حاکمی بشری. موسی قوم اسرائیل را از مصر به‌سوی کنعان بیرون آورد و یوشع ایشان را در امر تصرف ارض موعود رهبری کرد. اینک بنی اسرائیل در سرزمینی که خداوند به ایشان وعده داده بود،

در آزادی و کامیابی زندگی می‌کردند. عهد خدا با اسرائیل این بود: "اگر در فریض من سلوک نمائید و اوامر مرا نگاه داشته، آنها را بهجا آورید... در میان شما خواهم خرامید و خدای شما خواهم بود و شما قوم من خواهید بود" (لاویان ۲۶: ۳، ۱۲). از اینجا، دوره جدیدی در تاریخ اسرائیل آغاز گشت: قوم اسرائیل در مقام طرف عهد خدا، می‌بایست همچون قوم برگزیده خدا زندگی کنند و با ایمان و اطاعتشان، قدرانی خود را نسبت به خدا ابراز دارند. مطابق با داوران ۲: ۲۲، "نوره داوران آزمایشی بود از سوی خدا برای امتحان ایمان و اطاعت ایشان." در طول این دوره، خداوند اسرائیل را به حال خود رها کرد تا ایشان آگاهانه و با جدیت مطابق عهد خدا زندگی کنند و بدینسان، بلوغ روحانی خود را نشان دهند.

قوم اسرائیل هر چه را که به این منظور لازم بود، در اختیار داشتند. ایشان از وعده‌های عظیم خدای قادر مطلق برخوردار بودند، یعنی این وعده که خدا از ایشان مراقبت کرده، کمکشان خواهد کرد و ایشان را هدایت کرده، برکت خواهد داد. ایشان شریعت خدا را در دسترس داشتند و از اراده خدا آگاه بودند. می‌دانستند چگونه باید با سایر ملت‌های جهان زندگی و رفتار کنند. بنی اسرائیل از تمام امتیازات و مزایا برای اجرای سهم خودشان در عهد خدا بهره‌مند بودند. تنها چیزی که نداشتند، رئیس یا رهبری قابل رؤیت بود، یعنی پادشاهی بشری. اما این دقیقاً همان چیزی بود که خدا در نظر داشت. خود خداوند پادشاه اسرائیل بود و صندوقچه (تابوت) عهد، نماد قابل رؤیت حضور او در اسرائیل بود (اول تواریخ ۱۳: ۶). این امتیاز منحصر به فرد قوم اسرائیل بود چرا که ایشان مستقیماً تحت فرمان و رهبری خداوند بودند، بدون اینکه انسانها دخالتی در آن داشته باشند، انسانهایی نظیر موسی و یوشع. خدا در نظر داشت که دوره بعد از یوشع، دوره خداسالاری ناب باشد. این دقیقاً همان چیزی بود که خدا در اول سموئیل ۸: ۷ به سموئیل بیان فرمود: "تو را ترک نکردند، بلکه مرا ترک کردند تا بر ایشان پادشاهی ننمایم." این قصد و هدف خدا زمانی بر قوم اسرائیل روشن شد که خدا پس از یوشع، رهبر جدیدی برای اسرائیل تعیین نکرد. زمانی که قوم اسرائیل به دفعات از خداوند دور شدند، خداوند به ایشان پادشاهی نداد، بلکه فقط داورانی موقتی داد تا ایشان را به سوی یگانه پادشاهشان، یعنی خود خداوند باز گردانند. از داوران ۸: ۲۲-۲۳ روشن است که بنی اسرائیل این حقیقت را درک کرده و پذیرفته بودند که داورها، پادشاهانی موروئی نیستند. اگر قوم اسرائیل مطابق آنچه که جدعون گفته بود عمل می‌کردند، دیگر به داوری جدیدی نیازی پیدا نمی‌شد. این ثابت می‌کند که تعیین داوران امری بود مبتنی بر ضرورت شرایط: خدا به اسرائیل داوری می‌داد به این امید که (البته در قالب کلمات انسانی) او آخرین داور باشد و بنی اسرائیل خداوند را در مقام یگانه پادشاه خود تصدیق کنند.

**دو) خداسالاری بواسطه پادشاهان بشری.** خدا فقط زمانی اجازه داد که قوم اسرائیل نظام سلطنتی موروئی داشته باشند که کاملاً و مکرراً روشن و بدیهی شد که ایشان از بلوغ روحانی کافی برای زندگی کردن در نظام خداسالاری ناب را ندارند. این بدان معنی نیست که قوم اسرائیل، اهداف یا نقشه ابدی و مکتوم خدا را با شکست مواجه کردند. اما به آن میزان که قوم اسرائیل از پذیرش عطای فیض‌آمیز خدا و انجام دعوت او قاصر می‌آمدند، خدا نیز به همان میزان "نحوه مکاشفه طرح خود را تغییر می‌داد، اما نه خود هدف یا طرح را." گویی خدا گذشت تا اعمالش را انسان تعیین کند، اما به‌گونه‌ای که اعمالش منتهی به مکاشفه‌ای جدید از نقشه فیض‌آمیز و ابدی‌اش گردد، یعنی از طریق قومش در عهد جدید.

بدینسان، قوم اسرائیل در آغاز دوره داوران، در نقطه عطف تاریخ خود قرار گرفت. سؤال این بود که آیا ایشان استفاده درستی از امتیازات خود خواهند کرد، یا از مقام رفیعی که خدا ایشان را در آن قرار داده، سقوط خواهند کرد. آنچه رخ داد، مورد اخیر بود. خداوند مکرراً نسبت به ایشان شکیبایی نشان داد و به ایشان فرصت داد تا به راه درست باز گردند. اما قوم اسرائیل مکرراً به راه شریانه ملت‌های اطراف خود رفتند. ویژگی کتاب داوران، همین توالی دائمی وفاداری و خیانتت به خداوند عهد می‌باشد، یعنی برخاستن قوم و سقوط مجدد ایشان به بت‌پرستی مذهبی و اخلاقی. سامسون نمونه بارز دوره داوران می‌باشد. قدرت مهارنشده‌ی او همراه بود با ضعف اخلاقی‌اش. اما سقوط عمیق او نیز توبه واقعی‌اش را به‌دنبال داشت. معجزه در پایان، نیروهای شریر برتری یافت و قوم اسرائیل در ورطه ورشکستگی روحانی و ملی قرار گرفتند. در انتهای این فرایند تباهی بود که سموئیل، آن نبی و اصلاح‌گر بزرگ، ظاهر شد.

### **سوم. کتاب داوران فرایند تباهی روحانی و اخلاقی را تعلیم می‌دهد.**

"فرایند تباهی روحانی و اخلاقی، با ناطاعتی از خدا آغاز شد. خدا به قوم اسرائیل فرمان داده بود که بازمانده ملت‌های کنعانی را هلاک کنند، و علت این امر، بت‌پرستی هولناک و فساد اخلاقی فجیع ایشان بود. قوم اسرائیل در این امر کوتاهی کرد، هم به علت بزرگواری نابجا، و هم به علت ترس و راحت‌طلبی.

"گام دوم در جهت تباهی روحانی و اخلاقی، سازشکاری بود." ملت‌های بت‌پرست و فاسدالخلق کنعانی به زندگی در میان بنی اسرائیل ادامه دادند. در بعضی مناطق، ملل کنعانی تحت انقیاد و بردگی در آمدند. اما در مناطقی دیگر، اسرائیلیان با ایشان ازدواج کردند و ایشان را در میان خود پذیرفتند و در نهایت تحت تأثیر شرارت ایشان قرار گرفتند. اسرائیلیان مذهب و فرهنگ کنعانی را بر خود گرفتند و بیش از پیش به بت‌پرستی کشیده شدند. دوستی ایشان با کنعانیان بزرگترین خطر برای ایشان گردید.

"سومین گام در فرایند تباهی روحانی و اخلاقی، بت‌پرستی بود." قوم اسرائیل تحت نفوذ بت‌پرستی کنعانیان، به تدریج این حقیقت را از یاد بردند که خداوند، یگانه خدای حقیقی است و عبادت و خدمت او، عبادتی است مقدس و روحانی. اقدامات مذهبی جدعون و یفتاح نشان می‌دهد که ایشان دیگر مذهبی ناب را پیروی نمی‌کردند. جدعون بتی طلایی بساخت و آن را در شهر خود قرار داد و تمام اسرائیل آن را پرستیدند. یفتاح نذری غیرالهی کرد، یعنی اینکه اگر پیروز شود، موجودی انسانی را قربانی کند؛ لذا دختر خود را قربانی کرد.

"چهارمین گام در فرایند تباهی روحانی و اخلاقی، عدم اتحاد بود." مطابق داوران ۱۹-۲۱، اتحاد میان قبیله‌های اسرائیل هنوز نیرومند بود. اما هویت ملی ایشان بیش از پیش رو به ضعف نهاد. جدعون و یفتاح از جانب مردمان افرایم مورد مخالفت قرار گرفتند. و سامسون را مردم خودش، یعنی اسرائیلیان، به دشمن تسلیم کردند. حسادت و منافع خودخواهانه، میان ملت اسرائیل تفرقه و جدایی افکند.

#### چهارم . کتاب داوران، وفاداری، تزلزل‌ناپذیر خدا را تعلیم می‌دهد.

دوره داوران این نفع را داشت که به بنی اسرائیل ثابت کرد که از درون ناتوان می‌باشند. ایشان می‌بایست پی ببرند و تصدیق کنند که نمی‌توانند بدون کمک پادشاهان، دعوت الهی خود را تحقق بخشند. همچنین این نفع را داشت که به اسرائیل آموخت که دوستی با بی‌ایمانان و سازش با آنان، نتیجه‌ای جز تباهی و سقوط روحانی و اخلاقی ندارد. و سرانجام این نفع را داشت که وفاداری و امانت تزلزل‌ناپذیر خداوند را آشکار سازد. هر بار که بنی اسرائیل به بت‌پرستی و فساد اخلاقی دچار می‌شدند، و با سرسختی به راههای ممنوع قدم می‌گذاشتند، خدا کماکان به دعای ایشان برای دریافت کمک پاسخ می‌داد و ایشان را از دست ستمگران رهایی می‌بخشید. با وجود افول و سقوط بنی اسرائیل، همواره "بازمانده‌ای" از افرادی وجود داشت که در مقابل بعل زانو نزده بودند. بعضی از آنان عبارتند از پدر جدعون، والدین سامسون، نعومی، روت و بوعز از کتاب روت، القانه و حنا و سموئیل از کتاب سموئیل. همه این افراد در دوره داوران زندگی می‌کردند. اما خداوند روشن ساخت که قوم اسرائیل سزاوار این رهایی نیست. خدای عهد، قوم خود را فراموش نمی‌کند و نقشه ابدی خود را تغییر نمی‌دهد. او قوم خود در عهدعتیق را به‌واسطه فیض رهایی بخشید زیرا هنوز هدف رفیع‌تری از طریق ایشان داشت، هدفی که از طریق قومش در عهدجدید تحقق می‌یافت.

#### تکلیف برای هفته آینده

- اول) در طول هفته آینده، اول و دوم سموئیل را بخوانید. هفته آینده، به معرفی کتاب‌های سموئیل خواهیم پرداخت.
- دوم) کتابهای دستورعمل "بروید و ملکوت خدا را موعظه کنید" را ملاحظه کرده و به آدرس اینترنتی [www.dota.net](http://www.dota.net) مراجعه کنید. این آدرس را به حروف تکرار میکنم ....
- سوم) هر شنبه تا چهارشنبه به برنامه " دوره شاگردسازی از رادیو " گوش دهید .